

بنیاد فرهنگی کهزاد



کتیبه های آشوکا

احمد علی کهزاد

کتیبه های آشوکا

احمد علی کهزاد

بنیاد فرهنگی کهزاد

از دو ماه به اینطرف خبر پیدا شدن کتیبه قندهار در رادیو کابل و جراید پخش شده و از زبان ها شنیده میشود. حقیقت این است که در اثر یک سلسله خاک کشی ها که در بین سال های اخیر در حصص مختلف خرابه های شهر کهنه قندهار بعمل آمده و دهقان های محل خاک های خرابه را برای پارو دادن زمین های خود برده میروند بالاخره در آغاز سال جاری 1337 کتیبه ئی روی صخره سنگی در یکی از پوزه های سنگی در شمال شهر کهنه قندهار، در مجاورت چهل زینه، قریب سرک موجوده قندهار - کوکران - گرشک به مشاهده دهقان ها و اهالی محلی رسیده است.

در ین کشف دست هیچ یک از هیئت های باستان شناسان خارجی و حفریات دخالت نداشته. کشف خود بخود در اثر عمل خاک برداری بعمل آمده و عامل اطلاع آن در قندهار به مدیر لیسۀ احمد شاه بابا (آقای عبدالباری آشنا) یک نفر از ریش سفیدان محلی شده و ایشان این خبر را در طی نامه شخصی و دوستانه به این جانب در انجمن تاریخ اطلاع دادند و با اقدام فوری انجمن تاریخ این خبر از راه رادیو کابل و روزنامه های مرکز در افغانستان پخش شد و موزه کابل و هیئت حفریات فرانسوی از آن اطلاع حاصل کردند و مستقیماً هم اطلاع مهم را به استحضار موسیو شرآتو مشاور موزه کابل و موسیو لوبر و موسیو کزال اعضای هیئت حفریات فرانسوی رسانیدم.

پس در اثر هدایات فوری آقای کفیل وزارت معارف، موسیو شرآتو ایتالوی بحیث مشاور موزه کابل برای عکاسی و معاینه کتیبه مذکور عازم قندهار شد و متعاقباً، موسیو کزال، یکی از اعضای حفریات فرانسوی که بقصد حفریات در مندیگک رونده قندهار بود، از کتیبه مذکور عکس برداری نمود. مشاور موزه علاوه بر عکس، کاپی هائی در رابر هم از کتیبه برداشت و در اثر اقدامات مشاور ایتالوی موزه کابل و موسیو کزال عضو هیئت حفریات فرانسوی عکس ها و نقل روی را بر کتیبه قندهار به روما و پاریس رسید.

در این فرصت یک مقاله مختصر تحت عنوان کتیبه سرپوزه در شماره اول جوزای 1337 مجله ژوندون نشر کردم و بعد در شماره 185 مجله آریانا ترجمه یک مقاله مشاور ایتالوی موزه کابل انتشار یافت و چند هفته بعد سر و صدای مطالعه و ترجمه قسمت اول کتیبه از اروپا بلند شد. بدین ترتیب که متن یک مقاله موسیو شرآتو که از کابل به روما فرستاده بود، در مجله «ایست اند وست» (شرق و غرب) شماره مارچ - جون 1958

انتشار یافت و خبرهایی هم در برخی از جراید و روزنامه های ایتالوی مثل «جورنال ایتالیه شماره 29 - 28 مارچ 1958» پخش گردید و متعاقب آن مقطوعه اخبار «لوموند» پاریس به مشاهده رسید که در آن دانشمندان فرانسوی نتیجه فوری مطالعات خویش را در مورد ترجمه قسمت یونانی کتیبه شایع کرده اند.

اولتر از همه باید تصریح کنم که کتیبه ئی که در شهر کهنه قندهار پیدا شده است به دو زبان و به دو رسم الخط است، یکی زبان و رسم الخط یونانی و دیگر زبان و رسم الخط آرامی. قسمت اول و بالای کتیبه که به زبان و رسم الخط یونانی است شامل سیزده و نیم سطر است و قسمت دومی و پایانی کتیبه که به زبان و رسم الخط آرامی نقر شده مشتمل بر هفت و نیم سطر میباشد.

شبه ئی نیست که در میان این دو زبانی که در کتیبه قندهار بکار رفته قسمت یونانی آن نسبت به آرامی آسانتر است و به همین ملاحظه چه در روما و چه در پاریس اولتر به ترجمه حصه یونانی متوجه شده و در هر دو جا آنرا نشر کرده اند و در هر دو جا ترجمه حصه آرامی را به آینده قریب موکول نموده اند.

چیز مهمی که فوری باید متذکر شوم این است که در بین کتیبه نام «آشوکا» سومین پادشاه سلاله موریای که بین (273 - 232 م.) سلطنت کرده است بصورت «پیو داسی» تذکار یافته و «پیوداسی» اسم دیگر پادشاه موصوف بود و در برخی کتیبه های دیگر هم به همین نام خویش را یاد کرده است. آشوکا سومین پادشاه موریای پسر «بیندو سارا»، نواسه «چندرا گوپتا موریای» کسی است که با ارسال مبلغان، آئین بودائی را در آریانا در اواسط قرن سوم ق.م. منتشر ساخت. در وقت هایی که این پادشاه در هند سلطنت داشت علاقه های جنوب هندوکش، از «گندهارا» گرفته الی حوزه «اراکوزی» یعنی از دره کابل گرفته تا وادی ارغنداب بعد از واقعه جنگ «چندرا گوپتا موریای» و «سلیکوس نیکاتور» یونانی شامی و شکست اخیر الذکر در کناره های سند در حوالی 305 ق.م. جزء اراضی مفتوحه موریای محسوب میشد و این سلطه موقتی در حدود پنجاه سال دوام کرد تا یونانیان باختری نفوذ موریایها را به شرق اندوس (رود سند) عقب زدند و به نوبه خود به فتوحاتی در هند موفق گردیدند.

به اساس شواهدی که در دست است همه میدانیم که آشوکا کتیبه های متعددی در دوران سلطنت خود در نقاط مختلف هند بیادگار گذاشته که آنها را معمولاً «فرمان های سنگی» میخوانند و به اصطلاح صحیح تر آنها را «دهمه تمبهانی» یعنی (ستون های اخلاقی) میخوانند و کتیبه قندهار از طراز این گونه ستون ها یا کتیبه های اخلاقی است و باید فوری متذکر شوم که قبل برین شواهد یک کتیبه دیگری هم از این قبیل کتیبه ها در خاک افغانستان دیده شده که پارچه سنگ مثلث نمائی از آن در موزه کابل موجود است و بنام «کتیبه درونته» شهرت دارد و تقریباً 25 - 30 سال به اینطرف وجود خارجی دارد. این کتیبه بار اول ذریعه یکی از سالنامه های کابل عکس آن به حلقه های علمی اروپا رسیده و «مارگسترن» دانشمند نارویژی اولین کسی است که خبر آنرا در اروپا پخش کرده است و

از طرف چندین تن از زبان شناسان باختری ترجمه شده. «مستر هیننگ» با تذکار نام و زحمات متقدمان خود رساله ئی در آن مورد تحت عنوان «کتیبه آرامی لغمان» شایع کرده است. متأسفانه این کتیبه بسیار صدمه دیده و از جمله چند سطر باقیمانده هیچ کدام کامل نیست و از روی کلمات جسته پریده واضح استنباط میشود که کتیبه مذکور از جمله (ستون های اخلاقی) آشوکا بوده و سفارش هائی مبنی بر خودداری از آزار و قتل حیوانات در آن بعمل آمده. مقصد از این تذکار مختصر اینجا اینست که تا حال دو کتیبه آشوکا در افغانستان به مشاهده پیوسته یکی در گندهارا در ننگرهار در حوالی «درونته» بین حوزه لغمان و جلال آباد و دیگری در حوزه اراکوزی در شهر کهنه قندهار در محلی که حتماً در آنجا قدیم ترین شهر حوزه ارغنداب در طی قرن سوم ق.م. و پیشتر از آن آباد بود.

ترجمه قسمت یونانی کتیبه قندهار بدون آنکه در جزئیات کلمات داخل شویم تقریباً چنین است که آشوکا به همان شیوه خاص دستورهای اخلاقی خود مردم را از آزار و کشتن حیوانات و صید ماهی منع میکند و میگوید همانطور که من از کشتن انسان دست گرفتم شکاری ها و صیادان هم از شکار و صید خودداری کردند پادشاه موری مردم را به اطاعت والدین و سالخوردگان و انطفای خواهشات نفسانی و احترام تمام زنده جان دعوت میکند و میگوید با اشفاق و ترحم «پیوداسی» به نوع بشر خوشبختی در روی گیتی پهن گردید نتیجه ئی که عجالتاً از نقطه نظر ادب و تاریخ از کتیبه قندهار بدست می آید، قرار آتی است:

الف: آئین بودائی در اواسط قرن سوم ق.م. از گندهارا گرفته تا حوزه ارغنداب در زمان آشوکا انتشار یافته و کتیبه مذکور اولین کتیبه ئی است که در زبان یونانی توصیه های اخلاقی آئین مذکور را پخش میکند.

ب: زبان یونانی و رسم الخط یونانی در اواسط قرن سوم ق.م. مقارن زمانی که استقلال دولت یونانو باختری در باختر اعلان میشد در آریانا معمول و مروج شده بود و چون در کتیبه قندهار مقام اولیت با زبان و رسم الخط یونانی داده شده واضح معلوم میشود که زبان مذکور و رسم الخط آن در نقاط مختلف کشور ما متداول شده بود. این امر بسیار حیرت آور است که چطور در چنین تاریخی زبان یونانی و رسم الخط آن در کشور ما رواج یافته است؟ این حقیقت حکم میکند که با احداث اسکندریه ها در آریانا از طرف اسکندر و منجمله بنای اسکندریه ئی در «اراکوزی» حوزه ارغنداب زبان و رسم الخط یونانی توسط یونانی هائی که در اسکندریه ها جاگزین شدند، فوری متداول و معمول شد.

ج: قراریکه از کتیبه «قندهار»، «درونته» و «تاگزیرا» معلوم میشود رسم الخط آرامی که مبدأ رسم الخط های آینده رسم الخط های افغانستان و هند و ایران محسوب میشود، در طی قرن سوم ق.م. در بیشتر نقاط آریانا مروج بود. چون حلقه های علمی اروپائی هنوز از اظهار نظر در باب ترجمه متن آرامی کتیبه آرامی قندهار خود داری کرده اند راجع به چگونگی زبان آرامی عجالتاً باید از خاموشی کار گرفت و منتظر تحقیقات بود.

خلاصه کتیبه قندهار به نحوی که مختصراً ذکر شد از نظر تاریخ قدیم و انتشار بودیزم و تاریخ السنه و رسم الخط ها در افغانستان کمال اهمیت دارد و چون ده ماه قبل کتیبه بزرگ کنیشکا از صفحات شمال هندوکش از سرخ کوتل از بغلان قدیم هم مکشوف شده است، مقایسه این دو کتیبه بسیار مهم که از شمال و جنوب افغانستان بدست آمده است افق جدیدی از نظرهای مختلف در تاریخ و فرهنگ باستانی ما باز خواهد کرد. «آشوکا» پادشاه موریای و «کنیشکا» امپراطور کوشانی دو تن از بزرگترین پادشاهان روزگاران باستان هستند که اولی از هند به آریانا و دومی از آریانا به هند فتوحات کرده اند. هر دو از نظر انتشار آئین بودائی و اعزام مبلغان به اکناف آسیا و تشکیل مجالس بزرگ مذهبی و تعمیر استوپه ها و معابد معروفیت زیاد دارند و این هم یکی از اتفاقاتی است که در فاصله چند ماه کتیبه آن دو پادشاه از دو نقطه افغانستان پیدا شده است. /مجله آریانا، شماره هفتم، سال شانزدهم، اول اسد 1337، کابل//نشر مجدد جولای 2013، بنیاد فرهنگی کهزاد/

